

از صنعت گردشگری حمایت می‌کنیم

وقتی بحث گردشگری می شود، آن هم گردشگری کشورمان و آن هم حضور گردشگران خارجی در ایران، پشت بندش واژه امنیت می نشیند: دغدغه‌ای که وزیر اطلاعات طی روزهای گذشته قول داده وزارت خانه متبوعش دست کم فضای مطمئن برای سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری را فراهم کند. سید محمد علوی گفته، بهترین راه مقابله با تبلیغات مسموم دشمنان بیگانه در ازای این چهره‌ای منفی از کشورمان تقویت صنعت گردشگری و آوردن هرچه بیشتر گردشگران و جهانگردان کشورهای مختلفه به ایران است / جام جم دبل

ممیزه که اینطور نیست شیراز و اصفهان و مشهد و تهران بشوند سرآمد جذب گردشگران رودی، این روزهای آمار تنبوی هم از گردشگران خارجی کردستان رسانه ای شده: به نقل از سپریست اداره کل میراث فرهنگی این استان که در سه رتبه اول گردشگری خارجی کردستان توسط گردشگران عراقی در ۹ ماه نخست سال ۹۸ خبر داده و گفته در بین مدت ۱۷ هزار و ۶۹۹ گردشگر خارجی که حدود ۶۰ درصد آنها عراقی بودند از استان کردستان سفر کرده اند.



## عراقي‌هايي كه ايران رادوست دارند

ما یافت می‌شود. بیشتر مواد اولیه مورد نیاز ظروف کارخانه مداخله است و تنها بخی مواد و عناصر را از کشورهای دیگر تهیه می‌کنیم که متاسفانه در بحث انتقال ارز و نیز واردات بخش کوچکی از مواد اولیه با مشکل مواجه هستیم.»

کامیون‌های خارجی را بگیریم و گامی بهم در حفظ خروج ارز از کشورمان برداریم و با جذب نیروی کار سهمی هدیجند ناچیز در اشتغال زایی جامعه داشته باشیم.» کار و تولید آن هم درین شرایط سخت اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم و نبود بازار فروش، قطعاً سود و صرفه اقتصادی که ندارد، شاید زیان و ضرر هم داشته باشد؛

مشهود است که هنرمندان ایرانی همچون مسیحیان و ارمنیان و مسلمانان و مذهبیان دیگر، همچو که هنرمندان تبریزی هم به آن شاره می‌کنند: «زمانی که در کار واردات و فروش محصولات خارجی بودیم سواد بیشتری نصیبمان می‌شد. اما همچنان که گوارات و شیرینین تراز تولید و فروش ظروف و کالاهای دست ساز داخلی که بابت ساختشان ساعت‌ها پیشتر کوره می‌ایستند و عرق می‌ریزند، پیشتر اینها را باشند.

برکت کارگر

فارس، قم، خراسان، تهران و ...  
فرستاده‌می شود و در صورت حمایت دولت و افزایش میزان تولید، نه تنها زمینه اشتغال ۵۰۰ جوان جویای کار را فراهم می‌کنیم بلکه می‌توانیم طیف وسیعی از مقاضیان خارجی را مصرف کننده کالاهای تولیدی خود بکنیم». به نظر این هنرمند می‌گویند کارگری و عرق ریزی برای این حلal برکت می‌آورد؛ مصدقش شکرگزار است که کارتولیدی اش را در ساخت و بدون سود کارکردهای پرحرارت کارگاهش با ۲۵ نفر آغاز کرد و اکنون پس از گذشت چهار سال، بیش از ۷۰ نفر به صورت مستقیم از کارگران کورهای امارت معاشر می‌کنند و

A large, ornate crystal bowl with a gold base, surrounded by other glassware.



 پایه اسناد و کتابخانه ملی ایران

کس:  
ام جم

# فوت شپشه گری تبریزی ها

حریم و عدم ورود کالا به ایران، از فروشنده تبریزی یک تولیدکننده و کارآفرین ساخت

فاطمه مرادزاده ایران هنرمندان صنایع دستی و هنرهای سنتی کشورمان، برخی شان به حساب شغل آباداً و اجاد داده و ذوق خانوادگی که این جرگه پیوستند، برخی دست سرنوشت و اتفاق را فشن راگهه زده به زلف زیبا و ظرفی هنر، قسم سومی هم اما هستند که یک تعهد، میهن دوستی و دلسوزی برای این آب و خاک آنها را کشانده به وادی هنر مثیل سید حامد شکرگلزار؛ هنرمند ۳۳ ساله تبریزی که در کار ظرفی شیشه گری است و می‌گوید فشار تحریم‌ها وارد نشدند کالاهای موردنیازش، اوازه عرصه تولید مستقیم کالاهای ایرانی سوق داده است.

کشورهای جهان به این نتیجه رسیده اند که برای رهایی از پدیده بیکاری و نیز توسعه اقتصادی کشور و نیز جذب گردشگر، باید به مقوله صنایع دستی توجهی ویژه داشته باشند. برای همین بیشتر کشورها چون هند و چین با بهره گیری از نیروی انسانی خود در این زمینه یکه تازی کرده و تقریباً کل بازار دنیا را با محصولات دستی خود قبضه کرده اند. کاری که ما هم می‌توانیم و باید انجام دهیم و این کار میسر نمی‌شود مگر در سایه حمایت از کارفرمایانی که می‌خواهند با مشکلات کارگری دست و پنجه نرم کنند، اما چاره اش، یعنی چاره رقابت با تولیدکنندگان خارجی، پایین نگه داشتن قیمت پایه محصولات تولیدی، در کنار تولید محصولات مرغوب و باکیفیت و مستحب است که اگر با این حریبه جلوی رقبا نایستیم، خواه ناخواه از گردونه تولید و رقابت جهانی کنارزده خواهیم شد.

**۴- این تحریم‌های کارآفرین**  
حریم‌ها اگر هر کارآفرین و  
تولیدکننده‌ای را از ادامه کار و  
تولید توانستیم با تولید کالاهای  
باکیفیت، جلوی واردات ظروف بلوری  
خودن تجهیزات خیریه‌اری شده در  
گوشہ کارگاه منجر شد. با این حال  
حداقل توانستیم با تولید کالاهای

# رابر زادگاه حاج قاسم سلیمانی در پی شهادت ایشان

## کوئلینڈ میونسپل کمیٹی



نمی‌شود داغی روی  
سینه‌هات چنگ بیندازد و  
چکرت را بدرد و فقط بغض  
گوهه ایران

گروه ایران

ننمی شود داغی روی  
سینه ات چنگ بیندازد و  
چگرت را برد و فقط بعض  
کنی و دم تنزی. ننمی شود  
وقتی آرش سرزمینت  
بن بر جان خود در تیر کرده، به تماشا بنشینی در  
بکوت و سلاح برکف نگیری و مگر سلاхи داری جز  
نم و مگر می توانی ننویسی و نگویی، حتی به قدر  
مله ای و ستونی و حتی به قدر همدیدی با مردمانی  
بارها در همین جا زکرپریشان، از میراث شان و از  
دادی و محرومیت شان نوشته ای: مردمانی که حالا  
برای ارزشمندتر از هر میراث طبیعی و تاریخی را ز  
ب داده اند؛ مردمانی با میراثی انسانی و جهانی،  
هانی تراز هر میراث ایرانی که تاکنون در میراث  
هانی به ثبت رسیده، کرامانی ها شامگاه پنجشنبه  
ریگ ترین داشته خود را رکف دادند. آرش  
مانگریشان را. آرش کمانگری سرزمین مان و تمام  
سرزمین های غرق در جور و ستم را. همین بود که از  
بیج جمعه بی سروسامان خود را به منزل سردار  
ماندند، سردار شهیدشان. همین بود که کرمان از  
ت و تبدار شد. خانه سردار هم، خانه که نبود  
بته، بیت الزهرا بود؛ مکانی برای گرد همایی  
مندگان در هشت سال دفاع مقدس و جایی برای  
پایی رو په مادرشان زهراء(س). بیت الاحزانی در  
ای از محله های مرکز شهر؛ جایی که سردار هرگاه  
جالی می یافتد میان انبوه سفرهای سخت و  
اقت فرسای رزمی و جهادی، سری به آنجا و

ابران زمین.

آرش کرمانی ها، شهید سردار سلیمانی سال ۱۳۵۳ در روستای کوهستانی قنات ملک در شهرستان محروم رابر چشم ان سبز و زیبایش را روی جهان گشود؛ همان جایی که از صبح جمعه سراسر سیاه پوش شده.

فاتح دل ها ۲۰ سال ابتدایی زندگی اش را در نقانق ملک بود و مثل خاکش ساخت و ستربر و گویر شد. بعد به کرمان رفت و ادامه تحصیلات و بعد از انقلاب هم به سپاه پیوست؛ به جایی که از همان جایه آسمان پر کشید.

نام حاج قاسم، اما از جانشانی ها و افتخارات پیاپی اش در لشکر ۴۱ تارا... کرمان در جنگ تحمیلی نقل مخالف کرمانی ها شد و الگوی جوانانشان. نام او اما با راهدار و الفجر، کربلای ۸، کربلای ۵ و شلمچه شنیده شد و فقط اینها نبود، چرا که او مرد فرهنگ و عمران هم بود و در پاییش آنچه هم هویدا. اما شاید کرمانی هایی که سردارشان را در سال های اخیر به ندرت می دیدند، یکجا هر سال و یک موعد خاص خریدار قدو وبالایش می شدند؛ آنچا که تمام قامتش یک پارچه اشک می شد و دست به سینه روبه روی عزاداران من نشست و سبد سبد اشک می ریخت. برای سالار شهیدش در تاسوعا و عاشورای خونبار در روزهای سرخ محرم، مثل روزهای سرخ همین حلال که این بار مردم سرزمینش مقابله تمثال او دست بر سینه به سوگ و ماتم می نشینند؛ سوگ آرشی دیدگر، سوگ سیاوشی دوباره...

گردشگری

## دلاان در گردشگری سلامتِ خراسان رضوی

به عقیده غلامحسین شافعی، بخ  
گردشگری سلامت قدری سرگردان است، با  
همین صنعت گردشگری سلامت در مشا  
و استان که باید سالانه بین سه تا پنج میل  
دلار جذب سرمایه از محل گردشگران خار  
داشته باشد، این دریافتی را ندارد. این در  
ست که خراسان رضوی از پذیرندگان بیمه  
کشوارهای همسایه و کشوارهای عربی است  
و نقش مؤثری در حوزه گردشگری سلام  
تدارد و شرکت‌های متعددی در این حوزه فعال  
هستند. / جام جم دیلی

---

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

- جدول شماره ۵۵۶۷  
جدول عادی
- فقی: (۱) بندگان- اشارة- اندیشه  
 (۲) غلام- بافنده- نام تعدادی از فراغعه مصقردیم (۳) معبود یگانه- شور- مراقب و نگهبان (۴) حلال بگل اک ناخن- گردنه- دلتگی (۵) بکدندگی- واحد نظمی- دلباخته- لفای موسیقی (۶) کالبد- دهمین خلیفه اموی- دایره المعارف فرانسوی (۷) خواهش‌های نفسانی- پرخاش- سختی و مشقت (۸) پل دیدنی (۹) پرندۀای با پرهای رنگارنگ صفحهان (۱۰) شیرینی خامه‌ای لوله شده- جانشین وضو (۱۱) دلیل- فرشته شب اول قبر- گویشی در غرب ایران (۱۲) طلا- تازه- خدای مصیران قدیم- هزار کیلو (۱۳) شهری در فرانسه- باری دهنده- پی در پی (۱۴) قیمت- خانه- مکمکننده پیچ (۱۵) معاینه بیشکی- بند چرمی- بلند مرتبه (۱۶) باقوت سرخ- همه با هم- پرجم.
- عمودی: (۱) از قاریان ممتاز و فقید صری- حشره نیش دار (۲) خشکی (۳) از اکان نماز- پیامبری ملقب به خلیل... (۴) ابزار و سایل- مبتکر- (۵) بروی ربوت- مجموعه قواعدی به ادبیات (۶) مغایر موسیقی (۷) بنیانگذار فنی در گشتی- پیاده در شترنچ- نوعی شیشه مقاوم در برگرگما (۸) بینانگذار مکتب روان‌شناسی تحلیلی- بنیان یک چنگل مقدس- سازی زهی (۹) شاعرانگیسی و سرایندۀ عمودی: (۱۰) ادبیات (۱۱) حامی (۱۲) ادبی معطر- مایع نشاسته (۱۳) اقامه مساجد- در هم پیچیدن (۱۴) پیام آوری- کسب درآمد زندگی.
- جدول ویژه  
افقی: (۱) جست و جو- جزیره- حمل کننده بار (۲) بزرگوار- عزاداری- برهم زدن معامله (۳) نیک نژاد- آبی
- حل جدول عادی شماره ۵۵۶۶
- 
- تیره- آسمان (۱۱) فرشته- بلند پدرمرده- ناسیونال (۱۰) فرشته- قوانین چنگیزخان- بیشه (۵) یازده- و رفیع- بخشی از دستگاه گوارش ارباب- فال می‌گیرد- الفبای موسیقی (۶) گوشتش به سیخ کشیده شده- مربوط به ادبیات (۱۵) معاینه پرشکی- فرو که برای ایجاد نظم وضعی شود- فنی در گشتی- پیاده در شترنچ- نوعی شیشه مقاوم در برگرگما (۷) بنیانگذار مکتب روان‌شناسی تحلیلی- بنیان یک چنگل مقدس- سازی زهی (۸) اقدام به کاری بدون توجه به ضرر دریابی- رشته‌ای از ادانش کاربردی و فناوری- استراتژیک (۹) فروختن به قیمت پایین تراز قیمت اصلی- یا خطر آن (۱۰) رمانی نوشته فریبا وی- سرگردان- ضروری (۱۱) نابود کردن- گوشاهی در ماهور- هر طبقه از دیوار برخی از این آب ماهی می‌گیرند- حرف گلی (۱۲) بهتر- مایه در دسر- وقت خود راه به طالت گذرانند- یکدندگی (۱۳) نشانه (۱۴) آزو- جای بند در کمر شلوار- مدرسه عالی (۱۵) بله رویی- لجباز- سگ فضانور دشوروی (۸) الله اندیشه و هنر- واحد اندازه گیری وزن الماس- از آلات موسیقی (۹) مامور پلیس- صبح جمعه بی سروسامان خود را به منزل سدار زرد روش- تعطیلی (۱۰) از اختراعات رسانندن، سردار شهیدشان. همین بود که کرمان از بیماری سبزی (۱۱) ثروتمند- سندروم نقص اینمی اکتسابی- شب سیام آذر (۱۲) سفید آبری- ایالتی در آمریکا- لبه تیز شمشیر (۱۳) نوعی سوسن کوهی- چنگ معرفون نادر شاه- از یکی از محله‌های مرکز شهر؛ جایی که سردار هرگاه ادات پرسش (۱۴) سیاستمدار قرن نوزدهم و ملقب به بیر فرانسه- نشسته- صدای کلفت (۱۵) دلیری- از اماکن دیدنی کرمان مربوط به دوره ساسانی.
- 
- ## روستای قنات ملک رابر؛ زادگاه حاج قاسم سلیمانی در پی شهادت ایشان سیاهپوش شد
- ### کرمان در سوگ آرش کویر
- ایران زمین.
- آرش کرمانی‌ها، شهید سردار سلیمانی سال ۱۳۳۵ در روستای کوهستانی قنات ملک در شهرستان محروم را بر جشمن سبز و زیبایش را روی جهان گشود؛ همان جایی که از صبح جمعه سراسر سیاهپوش شده.
- فاتح دل ۱۲ سال ابتدایی زندگی اش را در قنات ملک بود و مثل خاکش سخت و ستروکوبی شد. بعد به کرمان رفت و ادامه تحصیلات و بعد از انقلاب هم به سپاه پیوست؛ به جایی که از همان جایه آسمان پر کشید.
- نام حاج قاسم، اما از جانشانی‌ها و افتخارات پیاپی اش در لشکر ۱۴ تارا... کرمان در جنگ تحملی نقل محاکل کرمانی‌ها شد و الگوی جوانانشان. نام او اما برآها در و فال‌فرجه، کربلای ۴، کربلای ۵ و شلمچه شنبیده شد و فقط اینها نبود، چراکه او مرد فرهنگ و عمران هم بود و رپایش آنچه‌های هویدا. اما شاپد کرمانی‌هایی که سردارشان را رساله‌ای خیرینه نهاده بودند، یکجا هر سال و یک موعده خاص خریدار قدو وبالایش می‌شدند؛ آنچه که تمام قامتش پیکارچه اشک می‌شد و دست به سینه روبه روی عزاداران می‌نشست و سبد سبد اشک می‌ریخت. برای سالار شهیدش در تاسوعاً و عاشورای خونبار در روزهای سرخ محروم، مثل روزهای سرخ همین حالا که این بار مردم سرزمینش مقابله می‌نمودند؛ سوگ آرشی دیگر سوگ سیاوشی دوباره...
- 
- 
- 
- نمی‌شود داغی روی  
سینه‌ات چنگ بیندازد و  
چکرت را بدز و فقط بغض
- کنی و دم نزنی. نمی‌شود  
وقتی آرش سرزمینت
- این بار جان خود در تیر کرده، به تماس بشیشی در سکوت و سلاح برک نگیری و مگر سلاحی داری جز قلم و مگر می‌توانی ننویسی و نگویی، حتی به قدر جمله‌ای و ستونی و حتی به قدر همدردی با مردمانی که بارهاد همین جا از کویرشان، از میراث شان و از شادی و محرومیت شان نوشته‌ای؛ مردمانی که حالا میراثی از رژیمند تراز هر میراث طبیعی و تاریخی را از کف داده‌اند؛ مردمانی با میراثی انسانی و جهانی، جهانی تراز هر میراث ایرانی که تاکنون در میراث جهانی به ثبت رسیده، کرمانی‌ها شامگاه نشانه بزیرگ ترین داشته خود را از کف دادند. آرش کمانگیرشان را آرش کمانگیر سرزمین مان و تمام سرزمین‌های غرق در جور و ستم را همین بود که از صبح جمعه بی سروسامان خود را به منزل سدار زرد روش- تعطیلی (۱۰) از اختراقات رسانندن، سردار شهیدشان. همین بود که کرمان از صبح جمعه یکسر سیاهپوش شد، دروغ‌فا فرو رفت و تبدارشد. خانه سردار هم، خانه که نبود الیته بیت‌الزهرا بود؛ مکانی برای گرد همایی زرمندگان در هشت سال دفاع مقدس و جایی برای پرای پوشیده مادرشان زهرا (س). بیت‌الاحزان در لبه تیز شمشیر (۱۳) نوعی سوسن کوهی- چنگ معرفون نادر شاه- از یکی از محله‌های مرکز شهر؛ جایی که سردار هرگاه ادات پرسش (۱۴) سیاستمدار قرن نوزدهم و ملقب به بیر فرانسه- نشسته- صدای کلفت (۱۵) دلیری- از اماکن دیدنی کرمان مربوط به دوره ساسانی.
- مردمانش می‌زد و دستگیری شان می‌کرد تا بگوید دستگیری و مردم داری هم در چشمان زیبایش به سان رزم است بادشمن. و چه روزهای سخت و گریانی در پیش دارند مردمان خطه کویر؛ مردمان سرزمین آرش، مردمان سیاوشی دوباره...